

نگرش فلسفی - ۱۳

دیوید ای. کارترایت

ترجمه

محسن اکبری

داشته‌نامه تاریخی
فلسفه شوینهاور

کتابخانه

نشر نگاه معاصر

واژه‌نامه تاریخی فلسفه شوپنهاور

دیوید ای. کارترایت

ترجمه

محسن اکبری

ناشر: نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر) / مدیر هنری: باسم الرسام
مجموعه فلسفی و فلسفه‌آرایی: حروفچینی هُما (امید سیدکاظمی) / لیتوگرافی: نوید
چاپ و صفای رنگ: چاپ اول: ۱۳۹۲ / شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه / قیمت: ۲۱۰۰۰ تومان
کتاب: ۵-۶۴-۵۷۴۷-۶۰۰-۹۷۸

نگاه معاصر
نشر نگاه معاصر

نشانی: مینی سیتی - شهرک محلاتی - ۲ مخابرات - بلوک ۳۸ - واحد ۲ شرقی
تلفن: ۲۲۴۴۸۴۱۹ پُست الکترونیک: negahe_moaser@yahoo.co

Cartwright, David E.	سرشناسه	کارترایت، دیوید ای، ۱۹۵۰ م.
	عنوان و نام پدیدآور	واژه‌نامه تاریخی فلسفه شوپنهاور / دیوید ای. کارترایت ترجمه محسن اکبری.
	مشخصات نشر	تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۲.
	مشخصات ظاهری	۳۳۰ ص: مصور؛ وزیری.
	فروست	نگرش فلسفی؛ ۱۳.
	شابک	978-600-5747-64-5
	وضعیت فهرست‌نویسی: قیفا.	
Historical Dictionary of Schopenhauer's Philosophy, © 2005.	یادداشت	عنوان اصلی:
	یادداشت	واژه‌نامه.
	یادداشت	کتابنامه: ص. ۲۸۷.
	موضوع	شوپنهاور، آرتور، ۱۷۸۸-۱۸۶۰ م. - واژه‌نامه‌ها.
	شناسه افزوده	اکبری، محسن، ۱۳۶۴ - مترجم.
	رده‌بندی کنگره	۱۳۹۲ و ۲ / ۳۱۰۱ B
	رده‌بندی دیویی	۱۹۳
	شماره کتابشناسی ملی	۳۱۹۱۸۳۳

فهرست مطالب

۵	یادداشت مرجم
۶	سپاسگزاری مترجم
۷	دیباچه بر ترجمه فارسی
۱۳	سپاسگزاری‌ها
۱۵	تذکار به خواننده
۱۹	گاه‌شمار
۲۵	درآمد
۲۷	زندگی شوینهاور
۴۹	فلسفه شوینهاور
۵۳	حیوان متافیزیکی
۵۵	معرفت‌شناسی
۵۹	متافیزیک
۶۵	زیبایی‌شناسی
۷۳	اخلاقیات
۸۱	واژه‌نامه
۲۵۵	ضمیمه: گاه‌شمار نخستین نموده‌ها از کتاب‌های فلسفی شوینهاور در ترجمه انگلیسی
۲۸۷	کتابنامه
۲۸۹	تذکار به خواننده

۲۹۳	نوشتارهای شوپنهاور
۲۹۳	شوپنهاور به آلمان
۲۹۴	شوپنهاور در ترجمه انگلیسی
۲۹۷	نوشتارها در باب شوپنهاور
۲۹۷	آثار زندگینامه‌ای
۲۹۷	آثار کلی
۲۹۹	بایوبی‌شناسی
۳۰۱	معرفت‌شناسی و متافیزیک
۳۰۵	فلسفه اخلاق
۳۰۷	دین
۳۰۹	فیلسوفان دیگر
۳۱۴	دیگراشخاص حاکمیت
۳۱۸	منابع الکترونیک
۳۱۸	ژورنال‌ها / انجمن‌ها
۳۲۱	درباره نگارنده
۳۲۳	فهرست مدخل‌ها

یادداشت مترجم

واژه‌نامه تا برخی اندازه شوپنهاور را می‌توان به عنوان مرجعی معتبر و یا به عنوان گزارشی نسبتاً جامع درنگریست. این کتاب از سه بخش عمده فراهم آمده است: درآمد، که نمایی کلی از زندگی و اندیشه شوپنهاور به دست می‌دهد؛ واژه‌نامه، که بسط موضوعی درآمد است و کتابنامه، که منابع و نهادهای ذی‌ربط تا هنگام نوشتن اثر را معرفی می‌کند.

کثرت واژگان درون قلاب به دامن پرهیز از ترجمه آزاد، انعکاس خرده‌تفاوت‌های معنایی و افاده توضیحات افزوده است. افزون بر کثرت عبارات معترضه، یکدست‌نبودگی ترجمه در سهولت و دشواری بازتابی است از نگارش نگارنده. سیاه‌مایل‌ها در انتهای کتاب امکان جستجو طبق آرایش انگلیسی، آلمانی و معادل‌نوشت فارسی را میسر می‌سازد. وانگهی، هرچند مترجم با معادل نهاده انگلیسی برخی از واژگان آلمانی توافق تام ندارد، اما ترجمه پیش رو را صرفاً براساس متن نویسنده انگلیسی‌زبان سامان داده است. توضیحات ترجمه نحوه کاربرست این کتاب را می‌توان در «تذکار به خواننده» مطالعه نمود.

حسن اکبری

۱۳۹۱

سپاسگزاری مترجم

از اینکه دکتر مریم انصاری کارترایت روا داشت تا کتابش را ترجمه کنم؛ از اینکه مرا به نگارش دیپاچه‌ای اختصاصی منحصر نمود و از اینکه همواره با قلمی امیدبخش به نامه‌هایم پاسخ گفت سپاسگزارم.

از آقای معین ابطحی که غلبه تفوق بیش از یک‌سوم ترجمه با متن اصلی را به جان کشید و از آقای اکبر قنبری - مدیریت دانش و انتشارات نگاه معاصر - که حاصل تلاشم را به ظهور رساند، سپاسگزارم.

دبیاچه بر ترجمه فارسی

از اینکه امای محسن کبری [کتاب] ام، واژه‌نامه تاریخی فلسفه شوپنهاور را به فارسی ترجمه نموده است مسرورم. همانند برای کسانی درباره شوپنهاور زبیده است که به فارسی پدیدار شود Oupent'hat، کتابی که تسلائی مادام کبری برای شوپنهاور به ارمغان آورد ترجمه‌ای لاتین بود از ترجمه فارسی اوپانیشاده‌ها. شاید به همین سبب لوییجی ترجمه فارسی اثرم برخی مردمان را به خواندن شوپنهاور و کشف ایده‌هایی که دارای اهمیت بی‌پایان تحریک کند. با توجه به دانشوری شوپنهاور و کنجکاوی ژرف اندیش‌ورزانه [اش]، احتمال این رویداد زیاد است. جویش پنجاه‌ساله شوپنهاور به منظور کشف و تبیین معنای کلیت تجربه - افزون بر پرداختن به بحث است در [باب] زیبایی‌شناسی، معرفت‌شناسی، اخلاقیات، منطق و متافیزیک به اشکالی موشکافانه و بعضی که مطلوب فیلسوفان است - وی را بر آن داشت که تقریباً هر وجه حائز اهمیت و وضعیت انسانی را کنکاش کند. او با درون‌مایه‌هایی دامن‌گستر راجع به وضعیت انسانی - از قبیل عشق، سکس، رنج، مرگ، و فناء - در [وقیمت] زندگی و بازخریدگی از گناه - سر و کار داشت. او همچنین پدیدارهایی - از جمله رنج، هم‌جنس‌گرایی، شوخ‌طبعی، جنون، متافیزیک موسیقی، جایگاه اخلاقی حیوانات، عرفان، پدیدارهای روانی و گریه - را کاوید که فیلسوفان بسیاری [از آن‌ها] غفلت کردند. شوپنهاور همواره حقیقت را بی‌چشم‌پوشی مهمیزهای آن را در هر جا که رد پاها [ی حقیقت] سوق [اش] می‌دادند پی می‌گرفت. او حقیقت را بی‌سیج‌نگرانی درباره خوشنود نمودن دیگران، آن‌گونه که می‌دیدش بیان می‌کرد. کنجکاوی بی‌کیفر و سیاست‌های جهان‌شهرانه شوپنهاور او را نخستین فیلسوف بزرگ غربی ساخت که به جد اندیشه آسیایی - درنگریست و طرقی که در آن‌ها اندیشه آسیایی از اندیشه غرب فرامی‌رود را بازشناخت. شوپنهاور طی روزگار عسرت نیز اندیشمندی درخور است؛ اندیشمندی که کوشید صادقانه و به وضوح درباره وضعیت انسان به طور عام - و نه صرفاً [درباره] وضعیت اروپاییان - بیان‌دیشد. او امید داشت که اندیشه‌اش برای آن‌هایی تسلا به ارمغان آورد که در حال زندگی در جهانی هستند که تیره‌روزی و مرگ [وجوه] همه‌جایی [آن] اند.

دی. ای. سی

نوزده ژوئن ۲۰۱۲

تقدیم به آن‌ها که به وجودم آوردند،
حمایت کرده‌اند و ادامه‌ام خواهند داد:

ارنست و آدری کارترایت
کروئل لوری کارترایت
و
ایس لوری کارترایت

www.ketab.ir



دِگِرَتایپ^۱ شوپنهاور، ۳ سپتامبر ۱۸۵۲. استفاده شده با اجازه از آرتور شوپنهاور-آرشیو، اشتات اوند
اونیوزیتس بیبلیوتک، فرانکفورت آم ماین^۲

۱. [daguerreotype]: نوعی عکس قدیمی.

2. Arthur Schopenhauer-Archiv, Stadt- und Universitätsbibliothek, Frankfurt am Main

www.ketab.ir

سیاسگزاری‌ها

این کتاب باید به عنوان بروز فعلی نگریسته شود که بر عهده گرفته‌ام تا آنچه به عنوان حق‌شناسی شگرف حس می‌کنم تسکین دهم. این دین، رهین منت گروه متنوعی از افراد شده است. برخی از این اشخاص آموزگارانه بر من بر خیز همکارانم بودند و به همکاریشان با من ادامه می‌دهند و برخی را تنها از طریق نوشتارهایشان می‌شناسم. به هر تقدیر، نظر به اینکه سوء دریافت‌هایم ناشی از محدودیت‌ها و ناتوانایی‌های خودم می‌باشد که آن‌ها بهتر نیاموخته‌ام، آنچه درباره دریافتم از شوپنهاور بهترین است را به این افراد مدیونم. به هر حال، حس من در خصوص حق‌شناسی مذکور تنها ممکن است تا حدی تسکین داده شود؛ زیرا برخی از ولی‌نعمانان گذشته‌ام نمی‌توانند سیاس مرا پذیرا شوند. با این حال، من باید از جان ای. اتول^۱، کلادیا کارد^۲، پاتریک گاردینر^۳، جورج گودرت^۴، دی. دبلیو. هملن^۵، ریچارد هاوی^۶، انگلیکا هوبشر^۷، آرتور هوبشر^۸، کریستوف جانووی^۹، لودگر لوتکهوس^{۱۰}، برایان مگی^{۱۱}، رودولف مالتر^{۱۲}، یوک زال‌آکوادا^{۱۳}، ولفگانگ شیمacher^{۱۴}، ایوان زول^{۱۵}، ریچارد تیلر^{۱۶}، یولین یانگ^{۱۷} و گوئتر زولر^{۱۸} ممنون باشم. در معنا [و مفهوم] است کمتر من باید از همکارانم در شوپنهاور-گزلفاشت^{۱۹} و شعبه آمریکای شمالی آن، به ویژه ایواخیم بائر^{۲۰}، دیل جاکت^{۲۱}، جی. استیون نیلی^{۲۲}، دیل اسنو^{۲۳} و جیمز اسنو^{۲۴} نیز ممنون باشم.

من به نحو تلویحی‌تر باید از فردریش نیچه^{۲۵} ممنون باشم. من حاضر نیستم و پنج سال پیش برای نخستین بار مجذوب شدم تا شوپنهاور را مطالعه کنم، به طوری که توانستم آنچه را [نیز] با ژرفای بیش‌تری بفهمم. در این رابطه، من به نحو قابل ملاحظه‌ای از ترجمه‌های «ارکافمن»^{۲۶} از [آثار] نیچه و از ترجمه‌های ای. اف. جی. پین^{۲۷} از [آثار] شوپنهاور سود جستیم. این مترجمان

- | | | | |
|-------------------------|--------------------------|-------------------------------|--------------------|
| 1. John E. Atwell | 2. Claudia Card | 3. Patrick Gardiner | 4. Georges Goedert |
| 5. D. W. Hamlyn | 6. Richard Howey | 7. Angelika Hübscher | 8. Arthur Hübscher |
| 9. Christopher Janaway | 10. Ludger Lütkehaus | 11. Bryan Magee | 12. Rudolf Malter |
| 13. Jörg Salaquarda | 14. Wolfgang Schirmacher | 15. Ivan Soll | 16. Richard Taylor |
| 17. Julien Young | 18. Günter Zöller | 19. Schopenhauer-Gesellschaft | 20. Joachim Baer |
| 21. Dale Jacquette | 22. G. Steven Neeley | 23. Dale Snow | 24. James Snow |
| 25. Friedrich Nietzsche | 26. Walter Kaufmann | 27. E. F. J. Payne | |

با استعداد مرا قادر نمودند تا هر دو فیلسوف را بخوانم و تحریکم نمودند تا به منظور خواندن آنچه آن‌ها ترجمه نکرده بودند آلمانی را فراگیرم.

همکارانم در گروه فلسفه و مطالعات دینی دانشگاه ویسکانسین-وایتواتر^۱، ریچارد بروکس^۲، وید دیزی^۳، کریستا لبنز^۴، ان لوثر^۵ و اندریا نای^۶ نیز سزاوار قدردانی من هستند. آن‌ها مرا در مطالعه شوپنهاور حمایت کرده‌اند و در مباحثات بسیاری درباره اندیشه شوپنهاور صبورانه مشارکت نموده‌اند.

وکیا ال. اشمیت^۷ سزاوار ذکر [و اشاره] ویژه است. او ضمیری مشتاق را در تولید این دست‌نویس به‌ارمغان آورد و اندیشه مرا از طریق پرس و جوها و فراخوانی‌های بسیارش در جهت ابهام‌زدایی بهبود بخشید. یاکوب بار^۸ باید به خاطر [بخش] اعظمی از کتابنامه ارج نهاده شود. کتابنامه بدون کار خوب او ناقص‌تر می‌بود. من همچنین باید از جان ورناف^۹ ویراستار مجموعه [واژه‌نامه من] تاریخی را، فلسفه‌ها و جنبش‌ها [برای دعوت از من به منظور نگارش این کتاب و برای تمهید رهبر دهی در جهت تدارک آن ممنون باشم.

من باید از آرشیو شوپنهاور، اشتات اوند اونیوزیتتس بیبلیوتک، فرانکفورت آم ماین^{۱۰} به خاطر اجازه استفاده از نگاربردویک زیگیسموند رول^{۱۱} از شوپنهاور (۱۸۱۵) برای [طرح روی] جلد و دگرتایپ^۳ سپتامبر ۲۰۱۲ شوپنهاور ممنون باشم.

ترتیبی که در سپاسگزاری، اشخاص به‌تبع آن ذکر شده‌اند چنان به نظر می‌رساند که گویی ترتیبی از اهمیت آن افراد نیز هست؛ [اهمیت] برای ترتیبی که سپاسگزاری لازم دارد. اما به من اجازه دهید تا در پایان با تشکر از آرتور شوپنهاور منی^۷ در خود این پدیدار را به کف آورم. مطالعه من راجع به شوپنهاور زندگی‌ام را دگرسان نمود. او را انسان داد تا آنچه از گفتن اینکه جهان بازنمود من است مراد می‌شود را دریابم، هرچند من جهان را نباید رادام نمی‌نگرم.

تذکار به خواننده

هر چند شوپنهاور امر داشت که فلسفه‌اش غرض زندگی‌اش است، [اما] زندگی‌اش را به عنوان یک چیز و فلسفه‌اش را به عنوان یک چیز دیگر می‌نگریست. او باور داشت که محاسن فلسفه‌اش به تنهایی برقرارند و بارش بر تن انسان فلسفه‌اش مستلزم علم به زندگی‌اش نیست. در این خصوص، او مردی از زمانه‌اش بود. اما فلسفه او ایمانوئل کانت^۱ همچون بلای جان^۲ پس‌آیندش گئورگ ویلهلم فردریش هگل^۳ به همین نگرش باور داشتند. هر چند ممکن است عصر ما بر نتافتن این نگرش یا دست‌کم عمیقاً ظنین بودن درباره آن^۴ ابراماً آموخته باشد، [اما] من با تمهید شرح‌هایی مجزا درباره زندگی و فلسفه شوپنهاور مشی^۵ با این درآیند ارائه نموده‌ام. همانا نقاط تماس هم‌پوشانی در این شرح‌ها وجود دارند؛ زیرا درون‌مایه علم به زندگی شوپنهاور به [این امر] مربوط می‌شود که چگونه او به فلسفه‌اش رسید و چگونه ایمان او به صدق نظراتش، طی سالیان بسیاری که اندیشه‌اش در طول آن [سالیان] تقریباً نادیده گرفته می‌شد وی را [از او] بی‌نگاه داشت. او بارها ادعا نمود که برای فلسفه و حقیقت می‌زیید و به این نحو گمان داشت که بسیاری از معاصرانش [با به عبارتی با] آن‌هایی که به زندگی با فلسفه متهم [شان] می‌کرد، یعنی با آن‌هایی که به استفاده از فلسفه به عنوان وسیله‌ای در جهت پیشبرد غایات محدود و خود-خدمتگزارشان متهم می‌کرد، شباهت است.

شرح زندگی شوپنهاور روایتی را پیش می‌کشد که وقایع حائز اهمیت زندگی او - که در گاه‌شمار [نیز] ارائه شده‌اند - را درون ساخت بزرگ‌تری از زندگی‌اش تألیف می‌کند. [شرح] با گماردن نکات برجسته [زندگی شوپنهاور] در بافتی که آن نکات را در حوزه‌هایی پی می‌نویسد از درخشش کم‌تری [برخوردارند]، خوانندگان را قادر می‌سازد تا نکات برجسته زندگی وی را بهتر دریابند. این [شرح] همچنین شماری از چهره‌های [برجسته] و مفاهیمی را معرفی می‌کند که درون واژه‌نامه [به صورت] مدخل‌های جداگانه ارائه شده‌اند. شرح فلسفه شوپنهاور همین غرض را برمی‌آورد. این [شرح] خوانندگان را قادر می‌سازد تا مفاهیم گوناگون فلسفی و چهره‌های [برجسته]‌ای که در این واژه‌نامه یافت می‌شوند را درون بافت عمومی کل اندیشه فلسفی شوپنهاور جای دهند. به طور حتم،

برای آن‌هایی که دانششان از زندگی و فلسفه شوپنهاور اندک است این شرح‌ها باید دانش لازم در جهت جستجوی معنادار مدخل‌های درون واژه‌نامه را فراهم آورند.

شوپنهاور در دیباچه بر ویراست نخست دو مسأله بنیادین اخلاقیات^۱ فلسفه‌اش را با [شهر] تبس^۲ صددر وازه مقایسه می‌کند که می‌توان از هر سو و از طریق هر دروازه بدان داخل شد و در مسیری مستقیم به کانونش رسید. امید من آن است که هر مدخلی راجع به ایده‌ها، مفاهیم [و] آموزه‌های کلیدی شوپنهاور یا چهره‌های [برجسته] فلسفی که با اندیشه وی ارتباط دارند، دریچه‌ای بگشاید که خواننده را به فهم مبنایی فلسفه وی سوق دهد. خواننده با آغاز کردن از هر مدخل خاص متوجه خواهد شد که برخی واژگان، به درج «پررنگ» وجود دارند و همچنین ممکن است در پایان مدخل یک «همچنین بنگرید به» موجود باشد. واژگانی با درج «پررنگ» مباحثی را نشان می‌دهند که مدخل‌های [خاص] خود را دارند و «همچنین بنگرید به» به مدخل‌های مرتبطی ارجاع می‌دهد که به طور خاص در این مدخل خاص ذکر نشده‌اند. خوانندگان با خواندن این مدخل‌های افزوده و مدخل‌های پی‌اف‌اوه به عنوان واژگان «پررنگ» یا تحت یک «همچنین بنگرید به» در آن لیست شده‌اند و با پیگیری این عمل بر هر مورد، درخواست یافت که همه مدخل‌ها [ی] موجود در این واژه‌نامه را تقریباً خوانده‌اند.

من برای بسیاری از مدخل‌های راجع به ایده‌ها یا آموزه‌های فلسفی شوپنهاور ارجاع ویژه‌ای به یکی از کتاب‌های وی ارائه نکرده‌ام. من [برای] به طور کلی نشان می‌دهد که یک مدخل با مبحثی سر و کار دارد که به نحو گسترده در سراسر نوشته‌های وی مورد بحث قرار گرفته است. هنگامی که مدخلی به یکی از کتاب‌های وی ارجاع می‌دهد، من عنوان و جلد، فصل [و] بخش مربوطه یا عنوان مقاله را ذکر می‌کنم. این نحوه استناد باید خوانندگان را قادر کند به محل بحث مربوطه را در هر ویراست یکی از کتاب‌های شوپنهاور پیدا کنند. هنگامی که من به یک اثر یا ایده‌ها، شوپنهاور ارجاع می‌دهم، همواره نام گیرنده‌اش و تاریخ نامه را ارائه می‌کنم. این شکل استناد به خوانندگان اجازه خواهد داد تا به سادگی جای نامه را در ویراست آرتور هوبشر^۳ از آرتور شوپنهاور: مجلد ۱ (پن: گوندمن، ۱۹۸۷)^۴ پیدا کنند. ارجاعات من به برجای‌مانده [ها]^۵ شوپنهاور، [ارجاعاتی] استناد به جلد [و] بخش‌های خاص یا بخش‌هایی از مقالات به ویژه معنون در ترجمه ای. اف. جی. پین^۶ آرتور شوپنهاور: برجای‌مانده‌های دست‌نویس در چهار جلد (آکسفورد: پرگ، ۱۹۸۸-۱۹۸۹).

ارجاعات به عنوان کتاب‌های شوپنهاور [برآمده] از ترجمه‌هایی هستند که توسط ای. اف. جی. پین فراهم شده‌اند و من نیز با سه استثناء از ترجمه او برای [اصطلاحات] آلمانی شوپنهاور پیروی کرده‌ام. او معمولاً «*Erkenntnis*» را به «*knowledge*» ترجمه نموده و من با اختصاص «*knowledge*» به کاربرد شوپنهاور از «*Wissen*» اصطلاح گسترده‌تر «*cognition*» را به کار برده‌ام. به همین نحو، من

1. *The Two Fundamental Problems of Ethics*

2. Thebes

3. Arthur Hübscher

4. *Arthur Schopenhauer: Gesammelte Briefe* (Bonn: Grundmann, 1987)

5. *Nachlass*

6. E. F. J. Payne

7. *Arthur Schopenhauer: Manuscript Remains in Four Volumes* (Oxford: Berg, 1988-1989)

از پین به خاطر برگردان «Erscheinung» به «appearance» و نه به «phenomenon» دور شده‌ام. سرانجام، من «intuition» را به جای «perception» در ازاء «Anschauung» به کار برده‌ام؛ اصطلاحی که [آن را] برای کاربرد شوپنهاور از اصطلاح «Wahrnehmung» اختصاص داده‌ام. من در تمام موارد برای هر مدخلی، [معادل] آلمانی [اش] را درون کمان ارائه نموده‌ام.

www.ketab.ir

گادشمار

۱۷۸۸: در فوریه، آتور شوپنهاور در شهر خودمختار دنزیک^۱ (گدنسک^۲ کنونی [در] لهستان) به عنوان نخستین^۳ نوزاد تنها پسر بازرگانی دوئمند [به نام] هاینریش فوریس شوپنهاور^۴ و [به عنوان نخستین فرزند] تنها [به نام] نویسنده و زمان‌نویس [محبوب و] مردمی [دوران] بعد، یوهانا شوپنهاور^۵ (با نام خانوادگی [تأثیر] [تأثیر] از ازدواج^۶) متولد می‌شود.

۱۷۹۳: خانواده شوپنهاور پیش از تصاحب دانسک [به دست حکومت] پروس^۷، به شهر خودمختار هامبورک^۸ نقل مکان می‌کند.

۱۷۹۷: تنها هم‌نیای شوپنهاور، خواهری [تنها] لئوئیزه آدیلت (آدیله)^۹ در ۱۲ ژوئن متولد می‌شود. در جولای، شوپنهاور همراه با پدرش به فرانسه به‌حساب می‌شود و به منظور زندگی با خانواده دوست پدرش، برای [مدت] دو سال در لوئیزه^{۱۰} اقامت می‌کند.

۱۷۹۹: شوپنهاور از فرانسه به هامبورک بازمی‌گردد. در آگوست، به واسطه خصوصی دکتر یوهان هاینریش کریستیان رونگ^{۱۱} - (مؤسسه‌ای که به منظور آموزش به دانشجویان آتی سازمان یافته بود) - ثبت نام می‌شود.

۱۸۰۳: در [ماه] می، شوپنهاور همراه با خانواده‌اش سیاحتی از هلند، انگلستان، سوئیس و اتریش را آغاز می‌کند. این سیاحت پاداشی برای موافقت شوپنهاور با تحمل [مراعات] کارآموزی نزد یک بازرگان، به جای پیگیری تحصیلات برای کار دوره‌ای آکادمیک است. شوپنهاور به منظور یادگیری [زبان] انگلیسی برای [مدت] شش ماه در انگلستان زندگی می‌کند.

۱۸۰۴: در آگوست، شوپنهاور به هامبورک مراجعت می‌کند. وی از سپتامبر تا دسامبر نزد بازرگانی در دنزیک به کارآموزی گماشته می‌شود.

1. Danzig 2. Gdansk 3. Heinrich Floris Schopenhauer 4. Johanna Schopenhauer
5. Trosicner 6. Prussia 7. Hamburg 8. Louise Adelaide (Adele) 9. Le Havre
10. Dr. Johann Heinrich Christian Runge

۱۸۳۲: شوپنهاور به مانهایم نقل مکان می‌کند. او *Oraculo manual y arte de prudencia* ی [بالتازار] گراسیان^۱ را به [زبان] آلمانی ترجمه می‌کند؛ [ترجمه‌ای] که پس از مرگ [شوپنهاور] در ۱۸۶۲ منتشر می‌شود.

۱۸۳۳: شوپنهاور به فرانکفورت آم ماین^۲ - [جایی] که باقیمانده عمرش را [در آن] می‌زید - بازمی‌گردد.

۱۸۳۶: در باب اراده در طبیعت^۳ شوپنهاور منتشر می‌شود.

۱۸۳۸: ۱۷ آوریل، مادر شوپنهاور فوت می‌کند.

۱۸۳۹: مقاله شوپنهاور [تحت عنوان] در باب آزادی اراده انسان^۴ در یک مسابقه مقاله‌نویسی [که] به حمایت [مالی] از بن علم سلطنتی نروژ [ترتیب یافته بود] مدال طلا را دریافت می‌کند.

۱۸۴۰: به رغم آنکه [شوپنهاور] تنها شرکت‌کننده در مسابقه مقاله‌نویسی حمایت‌شده از سوی انجمن سلطنتی مطالعات فلسفی آلمان بود، [اما به مقاله] «در باب بنیان اخلاق»^۵ وی جایزه داده نمی‌شود.

۱۸۴۱: دو مقاله [ای که شوپنهاور] منظور دریافت [«جایزه»] به نگارش درآورده بود [با عنوان دو مسأله بنیادین اخلاقیات^۶ منسجم می‌شود].

۱۸۴۴: ویراستی دوم از جهان به مثابه اراده^۷ منتشر می‌شود. شوپنهاور جلدی دوم [به جهان به مثابه اراده و بازنمود] الحاق می‌کند. این جلد [مشمول بر ۵۰ مقاله [است] که اثر [اصلی و] اولیه وی را تکمیل می‌کنند.

۱۸۴۷: دومین ویراست بازنگریسته و بسط‌یافته در باب ریشه‌های فلسفه^۸ اصل دلیل کافی منتشر می‌شود.

۱۸۴۹: خواهر شوپنهاور، آدیله در ۲۵ آگوست به خاطر [ابتلا به] - [در ۲۵ آگوست] فوت می‌کند.

۱۸۵۱: [کتاب] دوجلدی پارگ و پارالیپومنا^۹ شوپنهاور منتشر می‌شود.

۱۸۵۳: استارت شهرت شوپنهاور با انتشار مقاله جان آکسفورد^{۱۰} درباره فلسفه وی - [تحت عنوان] «سنت‌شکنی در فلسفه آلمان»^{۱۱} در [شماره ماه] آوریل مجله بریتانیایی وست مینستر ریویو^{۱۲} و ترجمه آلمانی پی‌آیندش در [شماره ماه] ژوئن مجله فوسیشه زایتونگ^{۱۳} - آغاز می‌شود.

۱۸۵۴: ویراست‌های دوم در باب اراده در طبیعت و در باب بینایی و رنگ‌ها منتشر می‌شوند.

1. Baltasar Gracian 2. Frankfurt am Main 3. On the Will in Nature
4. On the Freedom of the Human Will 5. On the Foundation of Morality
6. The Two Fundamental Problems of Ethics 7. Bonn 8. Parerga and Paralipomena
9. John Oxenford 10. Iconoclasm in German Philosophy 11. Westminster Review
12. Vossische Zeitung

۱۸۵۶: دانشگاه لایپزیک^۱ حمایت مالی از یک مسابقه مقاله‌نویسی در باب کلام‌کاوی^۲ و سنجش فلسفه شوپنهاوری را بر عهده می‌گیرد.

۱۸۵۷: نخستین درس‌گفتارها درباره شوپنهاور در دانشگاه‌های بن و برسلو^۳ ایراد می‌شود.

۱۸۵۹: ویراستی سوم از جهان به مثابه اراده و بازنمود منتشر می‌شود.

۱۸۶۰: دومین ویراست دو مسأله بنیادین اخلاقیات منتشر می‌شود. شوپنهاور در ۲۱ سپتامبر پس از یک بیم‌ر مختصر در فرانکفورت آم ماین فوت می‌کند.

www.ketab.ir